

بافت قدیم؛ فرهنگ‌نامه‌ای آموختنی یا واژگان در هم‌ریخته دور ریختنی

فاطمه دهقان‌نژاد (۱)

کلیدواژه‌ها

شهرهای تاریخی، بافت قدیم، بافت فرسوده، عناصر شهری، شهرسازی، فرهنگ، شهر، مدرنیته، انتقال فرهنگ، ساخت و ساز، معماری سنتی.

چکیده

بافت قدیمی شهرهای تاریخی ایران، قادرند تا ویژگی‌های هنری و تاریخی کشور را به تصویر کشند، و آداب و سنن و فرهنگ جامعه را در قالب بناها و اجزاء و عناصر تاریخی، به معرض نمایش گذارند؛ اما این بافت، امروزه با مشکلات عدیده‌ای نیز روبه‌رو است که به طور کلی می‌توان به مشکلات رفاهی - عمرانی، مانند عدم دسترسی؛ فقدان تسهیلات شهری و مشکلات اجتماعی، مانند مهاجرنشینی بافت قدیم؛ اعتیاد، بزهکاری و... اشاره کرد.

برخی از کارشناسان و مسؤولان شهر، راه مقابله با این مشکلات را در تغییر و تحولات بافت قدیم دیده‌اند، و برخی به خاطر اهمیت فرهنگی - تاریخی این بخش از شهر، با هرگونه تغییری مخالفت می‌کنند. همین امر منجر به بروز اختلافات اساسی میان سازمان‌های مختلف شهر در این مورد شده است.

این مقاله سعی دارد اجزاء و عناصر شهری بافت قدیم را - با تأکید بر اهمیت فرهنگی آن‌ها - مورد بررسی قرار دهد، و البته اشاراتی به مشکلات این بخش از شهر داشته باشد، و در پایان نیز با ارائه راه‌کارهایی عملی، پیوندی میان بافت قدیم و مدرنیته برقرار کند؛ اما قضاوت در مورد چگونگی عملکرد را به عهده خواننده مقاله، گذارده است.

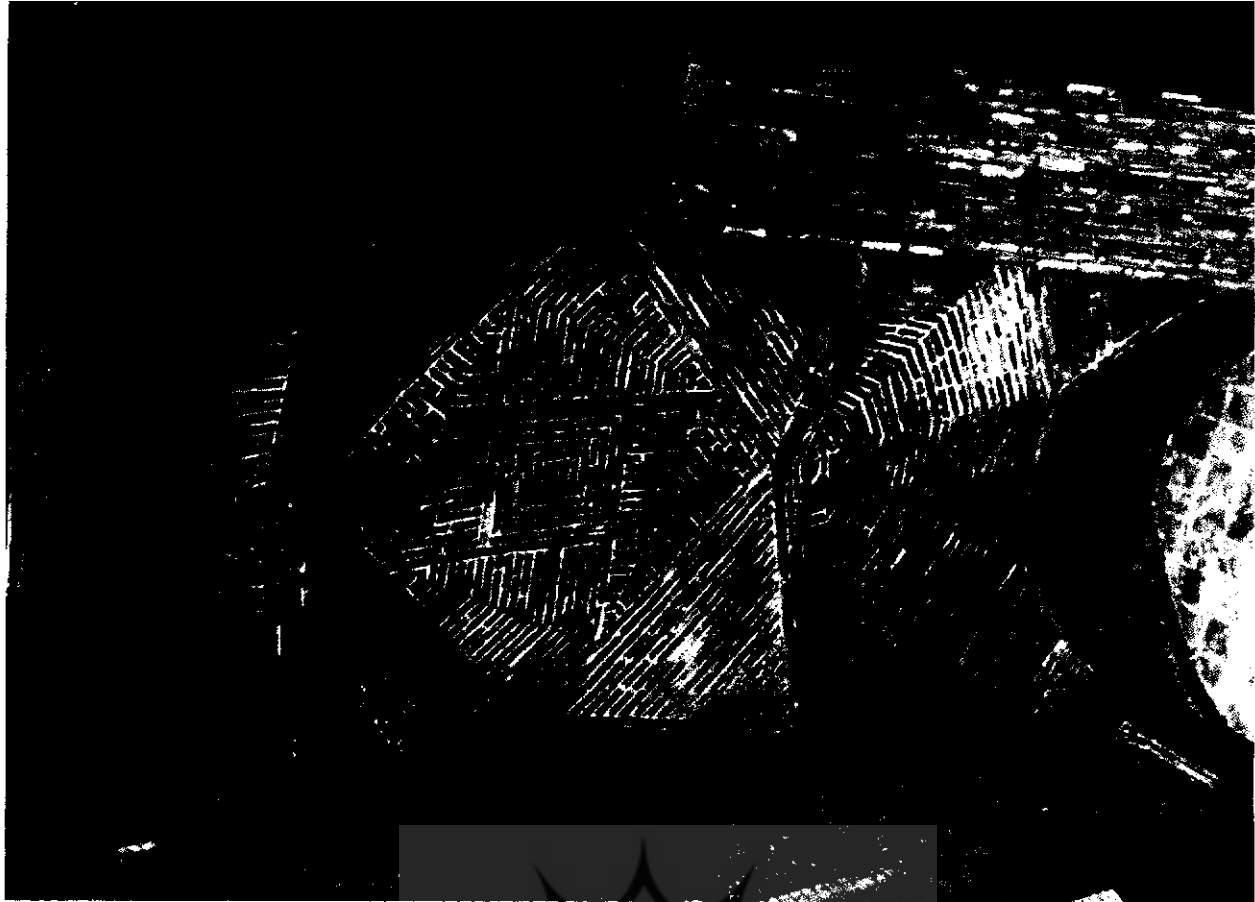
مقدمه

انسان از زمانی که پا به عرصه وجود گذاشت، تمام تلاش خود را در جهت رفع نیازمندی‌های خود و غلبه بر موانع طبیعی و اجتماعی صرف کرده است، و تاکنون هم موفق شده که برخی مواهب را به دست آورد؛ نتیجه این تلاش، عمدتاً منجر به پیدایش فرهنگ و تمدن شده است.

فرهنگ را به دو گونه فرهنگ معنوی و مادی تقسیم کرده‌اند. فرهنگ مادی؛ اختراعات و اکتشافات وسایل فنی و مادی را شامل می‌شود که از زمان‌های گذشته باقی مانده، و اکنون به نسل حاضر

رسیده است، و با تکمیل و تولید بیشتر، به نسل‌های آینده سپرده می‌شود. فرهنگ معنوی، مجموعه دستاوردهای هنری، علمی، اخلاق و آداب و رسوم و سنی است که از طریق زبان، خط و یا مجموعه‌ای از واحدهای معماری - شهری مختلف که در مراکز مسکونی انسانی به تدریج گرد هم قرار می‌گیرند، و مجموعه‌ای از ارزش‌ها، آیدئولوژی‌ها و تمدن که از گذشتگان به ما رسیده است، و به آیندگان منتقل می‌شود را در برمی‌گیرد.

(۱) کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و مدیر آموزش و پژوهش استان اصفهان.



ایران را که تا عهد قاجار شکل گرفته‌اند، می‌توانیم بافت قدیم بنامیم که در واقع، بخش درونی شهر است. خصلت اساسی کالبدی بافت قدیم، شکل‌گیری هماهنگ، مداوم، پیوسته، یک‌پارچه و عاشقانه در طول تاریخ است.^(۳)

ارتباط بافت قدیم با گذشته، آن را واجد ارزش‌هایی می‌کند که ارزش‌های تاریخی و فرهنگی را شامل می‌شود.

اما این بافت، فقط مربوط به گذشته نیست؛ بلکه پل ارتباطی حال با گذشته است. آن هم به دلیل فضایی است که از ارتباط میان اجزاء و عناصر شهرهای تاریخی پدید می‌آید. جامعه و فضا نیز دارای روابطی از نوع کنش متقابل‌اند که نتیجه این ارتباط، ایجاد فضای خاص و بافت شهری مناسب با هیأت‌های فرهنگی برای جامعه است. این‌جا است که گفته می‌شود:

زمینه و ساخت فضایی را نمی‌توان منهای روابط و فرآیندهای اجتماعی آن فهم کرد.^(۴)

«شهرها به عنوان مکان جغرافیایی، از نظر فرهنگ متفاوت‌اند؛

چراکه واکنش مردم نسبت به مسائل بقای جمعی؛ از مکانی به مکان دیگر متفاوت است، و چگونگی واکنش مردم به بقای جمعی، بخش مهمی از فرهنگ محلی - مکانی را تشکیل می‌دهد.»^(۵) اما امروز به دلیل عدم توجه به فرهنگ و هنر، شاهد نابه‌سامانی‌هایی در شهرها هستیم که بنا بر نظر بسیاری از صاحب‌نظران؛ یکی از عوامل نابه‌سامانی تمدن کنونی است.

«لوییس مامفورد»^(۶) اعتقاد دارد:

«شهر به گونه‌ای که در تاریخ

به این ترتیب، دو محور اصلی در پدید آمدن فرهنگ مورد تأیید است؛ یکی از انسان و دیگری محیط پیرامون او که محل زندگی‌اش به شمار می‌رود.

در این راه، انسان با ارتباط متقابل پیرامون، سعی داشته است با استفاده از کم‌ترین امکانات، بیشترین بهره‌برداری را داشته باشد، و به همین دلیل، شیوه زندگی در یک مکان با اقلیم گرم و خشک، متفاوت از شیوه زندگی در یک مکان دیگر، با اقلیم گرم و مرطوب، و یا سرد و مرطوب است.

همه این عوامل، سبب پیدایش چشم‌اندازهای مختلفی، در فضاهای اجتماعی و شهری، از جمله در چگونگی ساخت مسکن و مکان‌های مورد استفاده، نوع پوشش، آداب و رسوم و رفتارهای اجتماعی شده است.

پس می‌توان چنین استنباط کرد که زیستن طولانی در یک مکان جغرافیایی مشخص، سبب ارائه فرضیه و تولید دانش می‌شود که این دانش، گاه در ذهن جامعه جای می‌گیرد، و مانند

یک شناسنامه و پیشینه فرهنگی به آیندگان منتقل می‌شود، و یا در کالبد آثار تاریخی، قرار می‌گیرد که حفظ آن آثار می‌تواند مانع از نسیان و بی‌هویتی جامعه شود.

زیستن طولانی در یک مکان جغرافیایی مشخص، سبب ارائه فرضیه و تولید دانش می‌شود که این دانش، گاه در ذهن جامعه جای می‌گیرد، و مانند یک شناسنامه و پیشینه فرهنگی به آیندگان منتقل می‌شود، و یا در کالبد آثار تاریخی، قرار می‌گیرد که حفظ آن آثار می‌تواند مانع از نسیان و بی‌هویتی جامعه شود.

بافت قدیم به طور کلی در ایران، آن بخش از شهرهای

می‌توان یافت، نقطه اوج تمرکز قدرت جامعه است... شهر، شکل و نمادی از به هم‌بافتگی روابط اجتماعی است... هم‌چنین شهر، کاری هنری است... ذهن در شهر شکل می‌گیرد، و به شهر شکل می‌دهد».

او در تاریخچه‌ای از سیمای شهر در عهد باستان، نشان داده که شهر در هر دوره‌ای، چگونه ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی آن روزگار را منعکس کرده است.^(۶)

ما نیز با مطالعه سیمای شهرهای ایران در پیش از اسلام و پس از آن در می‌یابیم که:

پیش از اسلام، شهرها به صورت قلعه و برج و بارو ساخته می‌شد، و در آن‌ها شدیداً مسأله نظام طبقاتی رعایت می‌شد؛ پس از ظهور اسلام، کم‌کم؛ مسأله طبقاتی از بین رفت، و محله‌ها بر اساس اشتراکاتی چون همسپهری بودن یا بر اساس فعالیت‌های اقتصادی مشترک به وجود می‌آمدند. هر محله یا کوی، شامل خانه‌ها، بازارچه، مسجد، مدرسه، حمام و دیگر چیزهای مورد نیاز بوده است.^(۷)

با مورد بررسی قرار دادن ویژگی‌های فرهنگی موجود در برخی از عناصر عمومی متعلق به شهرهای تاریخی، می‌توان به عمق تأثیر آن در روح و جسم آدمی پی برد.

اجزاء و عناصر شهری بافت قدیم

«به طور کلی، هر شهر یا مکان جغرافیایی با توجه به فرهنگ خود، دارای ابنیه و مشخصه‌های خاصی است که همه و به خصوص مسوولان باید بدانند یک بنای تاریخی قبل از آن که معرف صورت مسأله فنی ساختمانی باشد، در برگیرنده یک سلسله روش‌های تفکر و کردار است که راه و رسم زندگی مردمان عصر خود را بازگو می‌کنند».^(۸)

در شهرهای قدیمی ایران، سه فضا با خصوصیت‌های متفاوت را می‌توانیم از یکدیگر تشخیص دهیم:

۱. فضای خصوصی؛ مانند حیاط و عناصر در برگیرنده آن.
۲. فضای نیمه خصوصی - نیمه عمومی به صورت یک بن‌بست اختصاصی، یا یک هشتی که به چند خانه راه داشته است.
۳. فضای عمومی مانند مسجد، بازار، میدان و حمام‌های عمومی، اشاره کرد.^(۹)

مهم‌ترین فضای خصوصی بافت قدیم، خانه است که ویژگی‌های آن، نقشی فراتر از سرپناه را برای ساکنان آن ایفا کرده

است. خانه‌های ایرانی در گذشته، نه تنها مأمی برای اهل خانه به شمار می‌آمد؛ که محل اجتماعات خانوادگی و محلی، مکانی برای آموزش، تعاون و همکاری و رفع و رجوع کارها به صورت گروهی، استفاده از فضای سبز خصوصی و تفریح‌های سالم، بهره‌گیری از باغچه و تولید برخی محصولات برای مصرف شخصی، و تعارفات و پیشکش‌های معمول میان همسایگان نیز به شمار می‌آمد.

فضای داخلی خانه، بسته به تمکن صاحب‌خانه، از تزیینات و امکانات خاصی برخوردار بود. جلوه خلاقیت، معماری کارآ و هنر را در فضاهای داخلی می‌توان مشاهده کرد. چنان‌که گفته شده است:

«از بین دویست خانه‌ای که در اصفهان مطالعه گردیده، دو تا خانه دقیقاً شبیه هم نیستند که این خلاقیت یا بر اساس نیاز پدید می‌آید، و یا با استفاده از تجربیات پیشینیان».^(۱۰)

نمای داخلی خانه‌های طبقات مختلف با هم تفاوت داشت؛ اما سعی می‌شد که ظاهر و نمای بیرونی خانه (به استثنای برخی خانه‌ها که سردر متفاوتی داشتند) بقیه، با دیگر خانه‌های اطراف، تفاوتی نداشته باشد. سکوهایی جنب در ورودی تعبیه می‌شد، و روی در سمت راست، یک حلقه فلزی برای زنان و در سمت چپ؛ یک کوبه فلزی برای مردان، در نظر گرفته می‌شد که حتی سمت قرارگیری آن هم بدون دلیل نبوده؛ و جهت رعایت حال زنانی است که می‌خواهند از پشت در، پاسخ‌گو باشند. «برای وارد شدن به فضاهای مختلف از جمله فضای مهمانی و اندرونی می‌بایست از راهروهای پرپیچ و خم عبور می‌کردند که دالان نامیده می‌شد».^(۱۱)

همه این تدابیر به خاطر محدود کردن تعرض و دید افراد غریبه به داخل حریم مقدس خانواده، و دنیای محرم آنان بوده است.

با مورد بررسی قرار دادن ویژگی‌های فرهنگی موجود در برخی از عناصر عمومی متعلق به شهرهای تاریخی، می‌توان به عمق تأثیر آن در روح و جسم آدمی پی برد. این ویژگی، حتی در مورد جزئی‌ترین عنصر شهری یعنی سقاخانه‌هایی که با عباراتی چون «یا حسین شهید» و تصاویری از واقعه کربلا همراه شده بودند، قابل مشاهده است که هدف طراح آن، تنها سیراب کردن جسم رهگذر

(۲) نقل به مضمون: توشلی، محمود، «بافت قدیم، مقدمه‌ای بر مسأله»، صص ۵ - ۶.

(۳) نقل به مضمون: افروغ، عماد، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، ص ۵۲.

(۴) شکری، حسین، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ص ۳۳۸.

(۵) Lewis Mumford

(۶) ساوج، مایک آلن وارد، جامعه‌شناسی شهری، ص ۱۷۳.

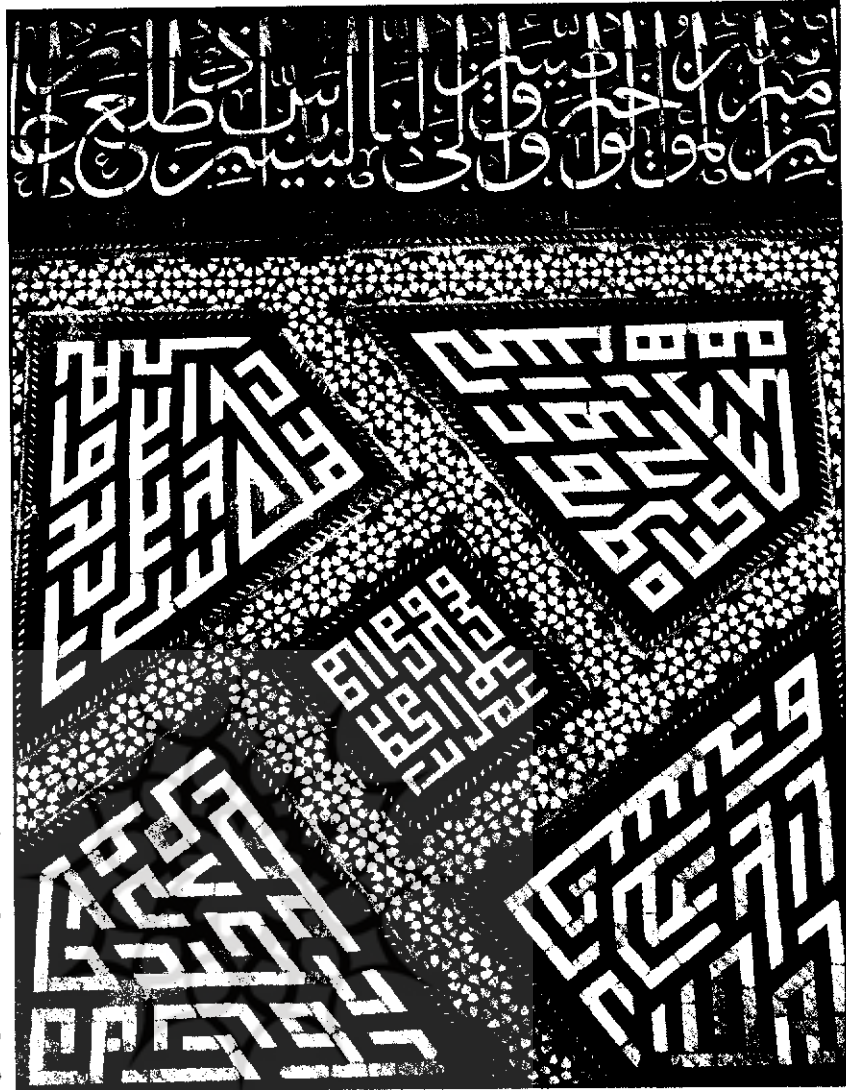
(۷) نقل به مضمون: پیرنیا، محمدکریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، ص ۳.

(۸) فلاسکی، محمدمنصور، باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، ص ۱.

(۹) نقل به مضمون: توشلی، محمود، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، ج ۱، ص ۷۰.

(۱۰) جبل عاملی، عبدالله، «اصفهان به روایت تاریخ».

(۱۱) پیرنیا، محمدکریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، ص ۱۶۱.



می‌ساختند؛ مانند مسجد جامع اصفهان. هم‌چنین از قدیم الایام بیرون از نیایشگاه، جایی را برای شست‌وشو فراهم می‌کردند، تا نمازگزار پیش از آن‌که به نیایشگاه درآید، پلیدی‌ها را از خود بزدايد، و با شستن اندام و سر و تن و پوشیدن جامه پاکیزه، آماده نیایش شود.^(۱۳)

وقتی که مقدمات فراهم می‌شد، و نمازگزار پای در مسجد می‌گذاشت، غرق در عظمت و زیبایی و هنری می‌شد که در دیوارها، گنبد، مناره، منبر، محراب و خط نوشته‌های پیرامون خود به چشم می‌خورد. این همه، باعث می‌شد که فرد، تحت تأثیر فضای معموی حاکم بر آن، احساس لذت کند، و در ترک مسجد، تعلل ورزد، و با خواندن خطوط بنایی، در کشف اسرار بنا بکوشد. به عنوان نمونه، مسجد جامع اصفهان درمی‌یافت که بنا با کنار هم چیدن آجر، شعری را به رشته تحریر در آورده است:

چون نامه جرم ما به هم پیچیدند
بردند و به میزان عمل سنجیدند
بیش از همه کسی گناه ما بود ولی
ما را به محبتت عالی بخشیدند^(۱۴)

بازار نیز به عنوان یک عنصر عمومی، علاوه بر نقش اقتصادی، محل اجتماع، محل داد و ستد، کانون شورش‌ها و اعتصاب‌ها، سیاست‌مداری‌ها، محل پخش اطلاعات، مراوده و آشنایی نیز بوده است، و گاهی

اوقات، نقش مکان امنیتی را نیز ایفا کرده است. در ایران، بازارهای شهرهای قدیمی و تاریخی، به نظر «کارلا سرنا» سیاح ایتالیایی: محل ملاقات عمومی است، که در آن، معامله می‌کنند، و درباره مسائل خصوصی یا تجاری سخن می‌گویند، و در امور عمومی یا دولتی به بحث و نظر می‌پردازند؛ به نظر وی در یک کلمه، بازار هم مرکز معاملات است، و هم مجلس شورا.^(۱۵)

بر اساس ویژگی‌های معماری بازار و مکان‌یابی آن؛ علاوه بر رفع نیازهای مردم در شهرها، به جنبه‌های معنوی، شخصیت انسانی و اخلاقی جامعه هم توجه لازم می‌شد، به طوری که می‌توان گفت بازار سرپوشیده شهرهای ایران با اقلیم‌های متفاوت، هنوز هم مناسب‌ترین محل برای پیشه‌ور و خریدار ایرانی است. رقابت سالم میان فروشندگان، قدرت انتخاب برای مشتری به خصوص در راسته بازارها، تقویت بعد معنوی و اسلامی و تشریک مساعی و نوع‌دوستی به واسطه مجاورت با مساجد و به خصوص مسجد جامع، تأمین آسایش و امنیت مردم و به خصوص زنان، به دلیل احساس

نیست؛ بلکه به روح او نیز می‌اندیشد.

«مسجد» از عناصر مهم شهری است که به عنوان مهم‌ترین بنای عمومی تلقی شده است، و در تفکرات مربوط به شهرسازی اسلامی، نقش عامل زیربنایی را ایفاء می‌کند. «مساجد علاوه بر نقش مذهبی، اجتماعی و سیاسی، تا قبل از ایجاد مدارس مستقل، به ایفای نقش آموزشی نیز می‌پرداخته‌اند.

در مساجدی که مرکز آموزشی نیز بوده‌اند؛ از تعلیمات ابتدایی تا پیچیده‌ترین مسائل فلسفی تدریس می‌گردیده است»^(۱۶)

علاوه بر رعایت موارد عملکردی در ساخت مسجد، به امور فرهنگی و اعتقادی نیز توجه خاصی می‌شده است که همه مردم، خود را ملزم به رعایت آن می‌دانستند. به عنوان نمونه:

نمازگزار یا کسی که می‌خواسته است به دورن مسجد پای گذارد، باید پاک باشد، و مردم دین‌دار تا بدان‌جا به این آیین پای‌بند بوده‌اند که هیچ ساختمانی را به مسجد نمی‌چسبانند. پیرامون مسجد، همیشه گذر و بازارچه و کوچه سرپوشیده بود، تا آلوده‌ای نتواند در کنار آن درنگ کند. هم‌چنین اگر مدرسه‌ای در کنار مسجد بنیاد می‌شد، پیوسته به بارو و دیوار مسجد، به جای اتاق، راهرو

مسئولیت فروشندگان در قبال خریدار، احساس انس و الفت به رسم برادری میان فروشنده و خریدار، که شاید همه به این دلیل است که فضای بازار، ارزش‌هایی را به مردم عرضه می‌داشت، و کماکان این ارزش‌ها در بازارهای قدیم وجود دارد. یکی دیگر از عناصر عمومی بافت قدیم، حمام یا گرمابه بوده است. وجود گرمابه‌های بسیار، در محلات مختلف، نشان از اهمیت دادن ایرانیان به پاکیزگی دارد که البته پس از اسلام، بیشتر مشهود شده است. «کارکرد گرمابه به نظافت تن محدود نمی‌شده است. گرمابه، محل گردهم‌آیی اقشار مختلف اجتماعی است. مکان‌هایی هم جهت تعامل هرچه بهتر آنان در نظر گرفته شده بود، به همین خاطر است که مردم و به خصوص زنان، ساعت‌ها با رغبت در حمام

به گفت‌وگو می‌پرداختند، و مراسمی چون خنابندان، حمام عروس و حمام زایمان و غیره را انجام می‌دادند»^(۱۶) به این ترتیب در گذشته، حمام هم به بعد جسمانی انسان‌ها توجه داشته است، و هم به روح انسان.

در ساخت حمام، مسائل اعتقادی هم از نظر دور نمی‌ماند، و به «دلیل عدم استفاده از آب غصبی، حتی اگر حمام در کنار قنات هم بود، چاهی را جهت استفاده از آب آن حفر می‌کردند»^(۱۷)

میدان نیز یکی از عناصر عمومی شهرهای تاریخی به شمار می‌آید که به عنوان مثال، میدان نقش جهان اصفهان را در زمره میادینی می‌شمارند که «نقش جمع کردن خانه‌ها یا عناصر شهری و محله‌ای را داشته است. این میدان، از نظر کالبدی، جزیی از ساخت فضایی شهر به شمار می‌رود، و از نظر اجتماعی، این مجموعه در روح و روان شهروندان جای داشته، و تکیه‌گاه شهروندان ایرانی بوده است»^(۱۸)

به نظر برخی کارشناسان شهرسازی، این که میدان نقش

جهان با ۵۲۰ متر طول و ۱۵۲ متر عرض، یعنی یک و نیم کیلومتر بدنه، فقط در چهار نقطه شکسته می‌شود؛ نهایت تواضع و خویشن‌داری معمار این میدان در برابر هیجان‌های غیر اصولی را نشان می‌دهد، و در سایه همین اصول است که معماری، تکوین می‌یابد، و به ارت می‌رسد، تفکر پیشینیان، سرمایه‌های فکری بعدی می‌شوند، و این، جز با یک جریان مداوم، پیوسته و با اصول مدون شده، امکان‌پذیر نیست.^(۱۹)

باید ارتباط میان اجزاء و عناصر شهر، اعم از مادی و غیر مادی، که با تغییر یکی، یک یا چند عنصر دیگر، دست‌خوش تغییر می‌شود، نیز مورد توجه قرار گیرد تا از دخالت‌های نابه‌جا در بافت قدیم خودداری شود.

حال با توجه به این که بافت قدیم، معمولاً برای شهرداری‌ها یک مانع جدی در تغییر و تحول به شمار می‌آید؛ اما از نقطه‌نظر دانشگاهی، یک کتاب پژوهشی محسوب می‌شود؛ یعنی همان‌طور که طرح یک پرسش و رسانیدن آن به پاسخ، کاری است که در یک کتاب اتفاق می‌افتد، همین خصوصیت، در مجموعه بناهای تاریخی هم وجود دارد. این خصوصیت، روندی را که برای رسیدن



(۱۲) مشهدی‌زاده دهقانانی، ناصر، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، ص ۲۸۲.

(۱۳) نقل به مضمون: پیرنیا، محمذکریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، صص ۴۵ - ۴۶.

(۱۴) سجادی نایینی، سیدمهدی، راه‌نمای جدید شهر اصفهان، ص ۲۱.

(۱۵) کارلا سرنه، مردم و دیدنی‌های ایران، ص ۳۷.

(۱۶) پیرنیا، محمذکریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، ص ۲۰۱.

(۱۷) همان، ص ۲۰۰.

(۱۸) توشلی، محمود و ناصر بنیادی، طراحی فضای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری، ص ۴۱۹.

(۱۹) نقل به مضمون: میرمیران، میرهادی، (معماری امروز و معماری ماندگار)، صص ۱۲ - ۱۵.

از یک سؤال به یک جواب در زمان خودش طی کرده است، به ما می‌نمایاند، و روشن می‌کند.

یعنی هر اثر هنری، حرف‌هایی برای گفتن دارد، آن هم حرف‌هایی که دست نخورده، و قابل اطمینان است؛ اما نکته قابل توجه آن است که تنها صاحبان بینایی، قدرت خواندن این کتاب را دارند. هر بیگانه و غریبه‌ای راه به این مجموعه پیدا نمی‌کند.^(۳۰)

مسائل و مشکلات بافت قدیم

آنچه مسلم است بر اساس مسائل و مشکلاتی که در بافت‌های قدیم شهری وجود دارد؛ رغبت چندانی از طرف مردم برای سکونت در این نواحی به چشم نمی‌خورد. چهره‌های دوگانه شهری، از نظر تراکم جمعیتی، نمایان‌گر این موضوع است.

از بزرگ‌ترین معضلات این بافت، فرسودگی ساختار کالبدی آن‌ها، عدم دسترسی و وجود کوچه‌های قهر و آشتی^(۳۱) است که عرض آن‌ها به یک متر هم نمی‌رسد. البته کوچه‌های پر پیچ و خم و بن بست‌ها و گذرهای مسقف با سقف‌های کوتاه و دالان‌های تاریک و دراز و راهروهای زیرزمینی، از ویژگی‌های عمده محلات قدیمی است که نقش تأمین امنیت را نیز ایفا می‌کرده است.

به طور کلی می‌توان به مواردی چون تنگی معابر، فرسودگی بافت، کمبود کاربری‌های مورد نیاز؛ مانند فضای سبز، پارکینگ، اماکن ورزشی، آموزشی و فرهنگی، فروشگاه‌های چند منظوره و... که به عنوان مانعی برای جذب جمعیت به شمار می‌روند، اشاره کرد. همه این موارد، زمینه را برای فرسوده شدن بافت و نهایتاً تعویض جمعیت، فراهم کرده است.

باید توجه داشت که کارنامه شهرسازان امروزی نیز حتی در زمان خودشان، بدون اشکال نیست، و بی‌هویتی سیمای بافت جدید شهرها از معضلاتی است که همه دست‌اندرکاران و مسؤولان با آن، دست به گریبان‌اند، و اذعان دارند فضاهای شهری اغلب شهرها برای عملکردهای مورد نظر، نامناسب‌اند.^(۳۲)

علت این نابه‌سامانی را برخی در تقلید از طرح‌های جامع و تفصیلی کشورهای دیگر که شاید هیچ وجه اشتراکی با کشور ما ندارند می‌دانند. اینان معتقدند:

«ایشان به طرح فضای کالبدی وارداتی به صورت "کلیدی" که می‌تواند همه درها را باز کند نگاه می‌کنند، و در رابطه با این نظریه، به هر نوع تصرف و مداخله در شکل و محتوای آن رأی مخالف می‌دهند، بدون آن‌که به مشکلات اجرای این طرح‌ها، در همان کشورهای اروپا و امریکا توجه نمایند، و یا به مسائل فرهنگی و محلی کشور خود بیندیشند»^(۳۳)

مشکل دیگری که وجود دارد، ناآگاهی مردم نسبت به مسائل شهری، و مشارکت نداشتن آن‌ها، یا «حمد و ستایش سازندگان بزرگ یا بزرگان سازنده است که به آن، عادت داده شده‌اند»^(۳۴) در حالی که در پیشرفت معماری و شهرسازی، بیش از رشته‌های دیگر، به عامه فهیم احتیاج هست؛ چراکه کار معمار و

شهرساز، وقتی می‌تواند به خود صورت حقیقت گیرد که جامعه، آن را خواستار باشد.

چگونگی تغییر و تحولات بافت قدیم

دخالت در بافت قدیمی از زمان انقلاب صنعتی و ورود اتومبیل به داخل بافت‌های شهری و رشد جمعیت شهر بیشتر شد، و تقریباً همه کشورهای دنیا را تحت تأثیر قرار داد، با این تفاوت که کشورهای توسعه‌یافته، رشد فزاینده جمعیت را نداشتند، و همچنین اتومبیل‌هایی را طراحی کردند که سازگاری بیشتری با بافت‌های تاریخی آن‌ها داشته باشد. در این میان، همه شهرهای ایران، کم‌وبیش دچار تغییر و تحولاتی شدند؛ اما این تحولات در شهرهای مهاجرپذیر و صنعتی مانند اصفهان چندین برابر بیشتر بوده است. به طوری که یکی از مسؤولان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، در توصیفی که از اصفهان دارد چنین می‌گوید:

«اصفهان تا چند دهه پیش یک موزه بزرگ تاریخی - فرهنگی بود که انسان‌ها نیز در آن زندگی می‌کردند؛ اما امروزه یک شهر صنعتی شده است که از قضا تعدادی آثار تاریخی را نیز در خود جای داده است.»^(۲۵)

تخریب یا تحولات بافت قدیم با نظریات متفاوتی مواجه است، برخی، اعتقاد دارند بافت قدیم از دو بخش فرسوده و با ارزش تشکیل شده است، و به همان نسبت که بر حفظ و نگهداری بخش با ارزش تأکید دارند، بر تخریب بخش فرسوده، اصرار می‌ورزند.^(۲۶) عده‌ای دیگر، بافت قدیم را حاوی پیشینه تاریخی و فرهنگی می‌دانند که تخریب آن به معنای از بین بردن آن تاریخ، و نهایتاً بی‌هویتی است.^(۲۷)

اما گروهی معتقدند که تخریب آثار هم در صورتی که ذهن جامعه بیدار باشد، باعث بی‌هویتی کامل نمی‌شود، و خاطرات آن همیشه زنده است؛ زیرا گذشته، هرگز نمی‌میرد؛ بلکه پیوسته، جزء هستی است.^(۲۸)

به نظر می‌رسد این دسته از کارشناسان، به نقش کلیدی تاریخ

۲۰) نقل به مضمون: حجت، مهدی، «ارزش‌های موجود در بافت‌های قدیمی»، ص ۶۵.

۲۱) به دلیل تنگی این معابر و برخورد دو رهگذر که به طور هم زمان می‌خواستند از این کوچه‌ها بگذرند، و آشتی احیاری آن‌هایی که با همدیگر قهر بودند، این کوچه را به این نام نامیده‌اند. (نقل رایج در میان مردم).

۲۲) نقل به مضمون: بنیادی، ناصر، «هماهنگی کلی سیمای شهری و انطباق آن با ویژگی‌های فرهنگی و بوم‌آورد معماری و شهرسازی ایران»، ص ۸۸.

۲۳) فلاسکی، محمدمنصور، فارابی و سیر شهروندی در ایران، صص ۱۰۳ - ۱۰۵.

۲۴) همان، ص ۱۲۵.

۲۵) حسینی، حمیدرضا، «تصف جهان کوچک شده است».

۲۶) جهانشاهی، حسین، «تحلیل بافت فرسوده و مشکل‌ساز شهری و راهبردی آن»، قسمت ششم، ص ۴۸.

۲۷) معمارزاده، مهدی، «جای خالی هویت ملی در معماری نمای شهری».

۲۸) اروچی، اردشیر، «تلور میراث فرهنگی در فرهنگ جامعه».





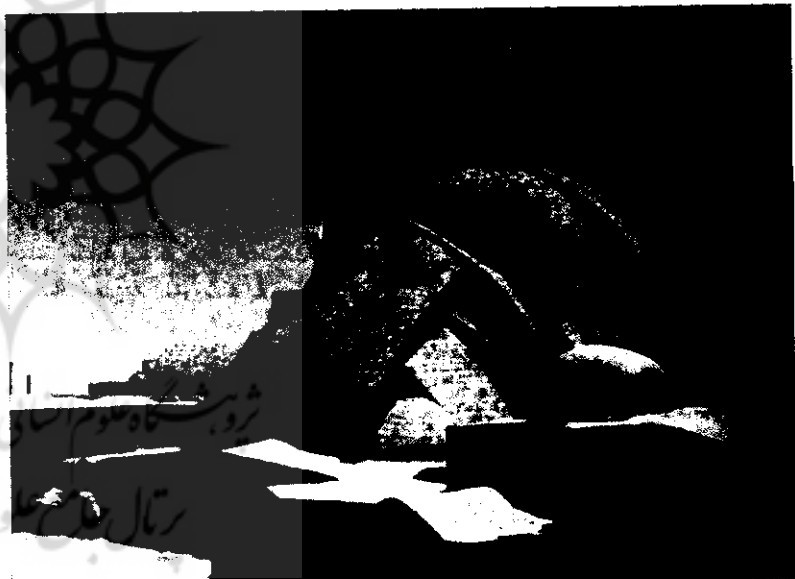
می‌کنند؛ چنان‌که در اصفهان، جهت تعریض خیابان حکیم، اقدام به تخریب حمام خسروآقا کردند، و پس از اعتراض سازمان‌های دیگری چون میراث فرهنگی، و دوستداران میراث کهن، تصمیم به بازسازی این بنای تخریب شده، بر اساس ویرانه‌های باقی‌مانده، و مطابق با طرح‌های موجود آن گرفتند!

البته مردود شمردن تغییر و تحوّل در بافت‌های قدیمی، منطقی نیست؛ اما باید به ارتباط صحیح، میان سنت و مدرنیته تأکید داشته باشیم و بدانیم، همین اینیه دوره صفویه که در زمان ما قدیمی به شمار می‌آید، در عصر شاه عباس، نوین بوده است، و باید در کنار بناهای تاریخی آن زمان که در دوره سلجوقیان ساخته شده بود از جمله مسجد جامع قرار گیرد؛ اما سعی بر آن بوده است که میان این دو بافت قدیم و جدید، ارتباط منطقی و اصولی برقرار شود؛ نه این‌که مانند عصر حاضر با ساختن برج جهان نما، بنا به تعبیری «خاری بر چشم نقش جهان بنشانیم»^(۲۹)

به نظر می‌رسد برای این‌که هرگونه دخالت در بافت قدیم، تابع اصول و قوانین انسانی باشد باید نظام این بافت را جست‌وجو کنیم و باید خود، سابقه زندگی در این بافت را داشته باشیم.

باید با انسان‌های آن بافت، الفت داشته باشیم، و با شأن انسانی آن بافت، تماس برقرار کنیم، و بالاخره به کار اجرایی خود، روند انسانی ببخشیم.^(۳۰)

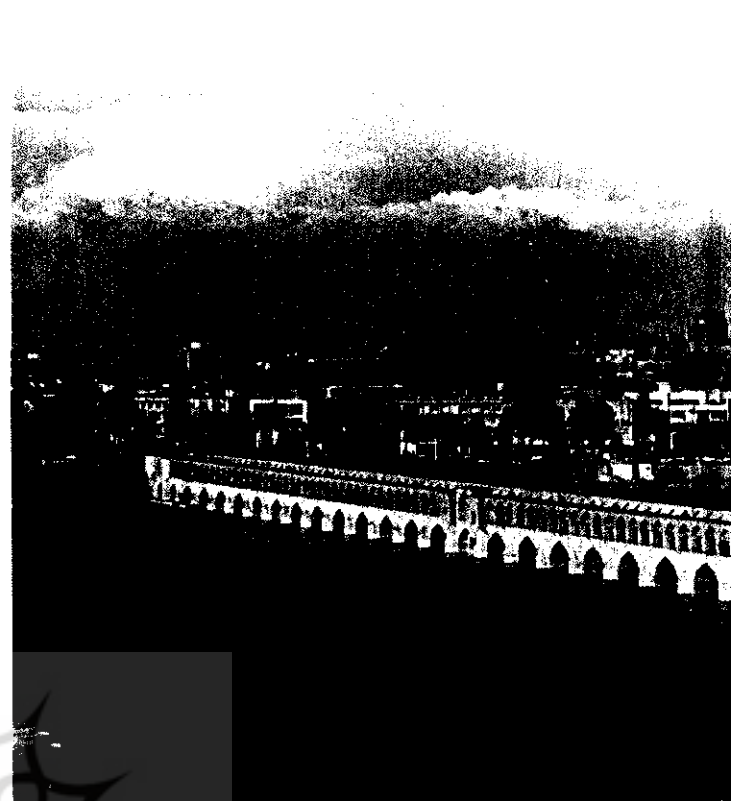
«در ایجاد ارتباط و پیوند میان سنت و مدرنیته در معماری و شهرسازی، از تأثیر احساس بر زندگی انسان نباید غافل بود؛ تأثیری



توجه دارند، و می‌گویند: تاریخ، باید نقش مهمی را بازی کند، و عوامل وجودی فراموش شده شهرهای ما را آشکار کند؛ چراکه اصولاً یکی از وظایف تاریخ این است که ما را یاری کند تا فضای وسیع‌تری از بینش و حواس زندگی کنیم.

اما باید توجه داشت که یکی از ابزارهای لازم برای تاریخ و موزه‌ها که به این وظیفه، جامه عمل بپوشانند، وجود همین بناهای تاریخی و قدیمی است.

این اختلاف نظرها به دستگاه‌های دولتی مربوطه، مانند شهرداری و سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی نیز نفوذ یافته است. آنان برای به نتیجه رساندن اعتقاد خود، با یکدیگر رقابت



که اگرچه ممکن است تعیین آن در برخی زمان‌ها آسان نباشد؛ اما به خصوص در شکل دادن فرهنگ کنونی ما واجد اهمیت و معنای فراوان است»^(۳۱)

توجه به فرهنگ و سنن، در شهرسازی دنیا مورد توجه قرار گرفته است، به ویژه با به وجود آمدن تفکر پُست مدرنیسم، اغلب معتقدان به این مکتب، نسبت به شیوه‌های جدید شهرسازی، اظهار عدم تمایل می‌کنند.

«عده‌ای از معماران متعهد عصر حاضر در هند، می‌کوشند تا معماری معاصر را به گونه‌ای تغییر دهند که هم دارای محتوای فرهنگی و تاریخی، و هم پاسخ‌گوی نیاز قرن بیست و یکم باشد».

راج روال در سال ۱۳۶۴ نوشت:

«تلاش نسل ما، ایجاد ارتباط بین معماری گذشته هند و دوران معاصر، با حفظ زنجیره آن است»^(۳۲)

نتیجه

عناصر و اجزای شهرهای تاریخی و بافت قدیم، حاوی اطلاعاتی است که نقش فرهنگی این عناصر را در ارتباط با دیگر نقش‌ها بر ما آشکار می‌سازد، و مشخص می‌کند که گذشتگان ما بدون تفکر، اقدام به ساخت و ساز نکرده‌اند، و برای هرگونه معماری؛ توجیه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی وجود داشته است. در این میان، نقش مردم و خواسته‌های اعتقادی و فرهنگی بسیار کلیدی بوده است، و ضمن این‌که از تجربیات پیشینیان خود استفاده

می‌کردند، از خلاقیت و ابتکار هم دور نبوده‌اند.

ارتباط میان اجزاء و عناصر شهری در ساخت و سازهای گذشته، بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفته است، و هرگونه تحوّل، بدون در نظر گرفتن اجزای دیگر، مورد نظر نبوده است. امروز نیز جهت حفظ فرهنگ، باید معماری سنتی را بررسی کرد، و عناصر و عوامل آن را شناخت، و با زبان و بیان معاصر به آن پرداخت. وجود عناصر تاریخی در بافت قدیم، مزایایی فراتر از انتقال

(۲۹) حسینی، حمیدرضا، «جهان‌نما خاری نستسه بر چشم نقش جهان»، ص ۹.

(۳۰) نقل به مضمون: مجابی، سیدمهدی، «انسان اجتماعی و بافت قدیمی، انسان اقتصادی و کلان‌شهر»، ص ۱۳۳.

(۳۱) گیدین، زیگفرید، فضا، زمان و معماری، ص ۶۷۹.

(۳۲) روال، راج، «معماری از بطن جامعه و مردم برمی‌خیزد»، صص ۵۸ - ۶۱.

فرهنگ دارد که با بحث و بررسی دانشجویان و محققان در این زمینه، و ترغیب مردم در مشارکت در حفظ این بناهای تاریخی، به مزایای عدیده آن دست خواهیم یافت.

پیشنهادها

۱. وجود مدیریت مرکزی، و واگذاری اختیارات و اقدامات محلی.
۲. تشکیل تیم‌های کارشناسی که متشکل از متخصصانی چون شهرسازان، اقتصاددانان، جغرافی‌دانان، جامعه‌شناسان، موزه‌خان و... باشد.
۳. ایجاد نمایشگاه‌های صنایع دستی و کارگاه‌های صنایع کوچک، در این محلات، و استفاده از آن‌ها جهت بازدید دانش‌آموزان و دانشجویان رشته‌های مختلف، و حتی گردشگران داخلی و خارجی.
۴. ایجاد کاربری‌های جدید و به روز شدن محله‌ها از نظر رفح نیازهای امروزی که مردم، و به خصوص قشر جوان را ترغیب به باقی ماندن در این محله‌ها می‌کند؛ مانند تأسیس ویدئوکلوب، ساندویچ‌فروشی، کتابخانه، باشگاه ورزشی، مشاغلی در ارتباط با رایانه و... .
۵. محدود کردن رفت و آمد اتومبیل در بخشی از محله‌ها که ارزش تاریخی دارند.
۶. اختصاص بخشی از کتب مقاطع مختلف آموزشی به اهمیت بافت قدیم و یادگیری حفاظت و نگهداری آن، و بحث‌هایی پیرامون هویت تاریخی ایرانیان.

- در ایران (طراحی دسترس)، تهران: چاپ‌خانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ سوم ۱۳۷۱ش، ج ۲.
۷. همو، «بافت قدیم، مقدمه‌ای بر مسأله»، خلاصه مقالات: سمینار تداوم حیات در بافت‌های قدیمی شهرهای ایران، تدوین: اصغر محمد مرادی، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول ۱۳۷۲ش.
۸. توسلی، محمود و ناصر بنیادی، طراحی فضای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۱ش.
۹. جبل عاملی، عبدالله، «اصفهان به روایت تاریخ»، شبکه استانی سیما، ۱۳۸۳/۳/۱۲، ساعت ۱۸.
۱۰. جهانشاهی، حسین، «تحلیل بافت فرسوده و مشکل ساز شهری و راهبردی آن»، مجله جستارهای شهرسازی، شماره هشتم، بهار ۱۳۸۳ش.
۱۱. حجت، مهدی، «ارزش‌های موجود در بافت‌های قدیمی»، خلاصه مقالات: سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، تدوین اصغر محمد مرادی، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول بهار ۱۳۶۸ش.
۱۲. حسینی، حمیدرضا، «جهان‌نما خاری نشسته بر چشم نقش جهان»، روزنامه ایران، شماره ۲۵۳۴، ۲۵۳۴/۵/۶، ۱۳۸۲.
۱۳. همو، «انصف جهان کوچک شده است»، پایگاه اینترنتی روزنامه همشهری، ۱۳۸۴/۷/۱۲
- www.Hamshahri.org.۴۸۳۱
۱۴. روال، راج، «معماری از بطن جامعه و مردم برمی‌خیزد»، مجله آبادی، سال هفتم، شماره‌های ۲۷ - ۲۸، ویژه جشنواره مهندسی ساختمان، زمستان ۷۶ و بهار ۱۳۷۷ش.
۱۵. ساوج، میک آئن وارد، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، تهران: سمت، چاپ اول ۱۳۸۰ش.
۱۶. سجادی ناینی، سیدمهدی، راهنمای جدید شهر اصفهان، اصفهان: سازمان ایرانگردی و جهانگردی استان اصفهان، چاپ اول ۱۳۸۰ش.
۱۷. شکویی، حسین، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: سازمان گیتاشناسی، ۱۳۷۵ش، ج ۱.
۱۸. فلامکی، محمدمنصور، باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، انتشارات تهران، چاپ چهارم ۱۳۸۰ش.
۱۹. همو، فارابی و سیر شهروندی در ایران، تهران: نقره، چاپ اول ۱۳۶۷ش.
۲۰. کارلاسرنا، مردم و دیدنی‌های ایران، ترجمه غلام‌رضا سمعی، تهران: نشر نو، چاپ اول ۱۳۶۳ش.
۲۱. گیدپین، زیگفرید، فضا، زمان و معماری، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم ۱۳۶۵ش.
۲۲. مجابی، سیدمهدی، «انسان اجتماعی و بافت قدیمی انسان اقتصادی و کلان شهر»، خلاصه مقالات: سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، گروه مرمت و احیاء ابنیه و بافت‌ها، تدوین اصغر محمد مرادی، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول ۱۳۷۲ش.
۲۳. مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ سوم ۱۳۷۸ش.
۲۴. معمارزاده، مهدی، «جای خالی هویت ملی در معماری نمای شهری»، سایت میراث فرهنگی، ۲۳۸۱/۳۰/CHN/۳۹۲ Arthc.۲۲
۲۵. میرمیران، میرهادی، «معماری امروز و معماری ماندگار»، مجله معماری و شهرسازی، دوره سوم، شماره ۱۷، تیر و مرداد ۱۳۷۱ش.

فهرست منابع و مآخذ

۱. اروجی، اردشیر، «تبلور میراث فرهنگی در فرهنگ جامعه»، پایگاه اینترنتی ۱۳۸۳ www.Chn.irش.
۲. افروغ، عماد، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، سال دهم، شماره ۴، ۱۳۷۴ش، مشهد: انتشارات پژوهش و مطالعات عاشورا.
۳. بنیادی، ناصر، «هماهنگی کلی سیمای شهری و انطباق آن با ویژگی‌های فرهنگی و بوم‌آورد معماری و شهرسازی ایران»، مجله آبادی، سال نهم، شماره ۳۲ - ۳۵، ویژه شهرسازی و فرهنگ عمومی، ۱۳۷۸ش.
۴. پیرنیا، محمدکریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلام‌حسین معاریان، تهران: دانشگاه علم و صنعت، چاپ اول ۱۳۷۱ش.
۵. توسلی، محمود، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ سوم ۱۳۷۱ش، ج ۱.
۶. همو، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی

